بدون عنوان

شماره پرسش: ۴۰۰۳۵

تاریخ ارسال پرسش: ۱۴۰۴/۲/۲۶ ۱۵:۲۳:۵۲

متن پرسش

سلام استاد عزیز و گرامی. خیلی ممنون از وقت شما. سعی کردم تفکری را در رابطه با معماری در تاریخ انقلاب اسلامی پیش بیاورم. خیلی ممنون می‌شوم ملاحظه بفرمایید و راهنمایی کنید. بسم الله الرحمن الرحیم. معماری و سکونت در عهد تاریخی. معماری به عنوان سواد اعظم و به عنوان عُرف نشان می دهد که چه سنت هایی از هستی را شناخته است. اگر معماری و ساختن تقرب الی الله است حرکتی است از کثرت به وحدت، معرفت دارد. معماری «قل هو الله احد الله صمد» جامعیتی اشاره گونه. احساسِ غنی، تمامیت و تکمیل با افقِ به سوی او. گردآوری هر چیزی به نحوه هستی اش در فضا یعنی به چگونگی ایستادگی، گشادگی، بستگی و بازتاب بستگی دارد. هر مورد از تجسم بخشی به بازتاب آئینه وار چیزهای دیگر پرداخته و یکی از روش های هستی بین زمین و آسمان را به نمایش می‌گذارد. معماری در هماهنگی با شیوه ی همبستگی آدمیان برپا می‌شود. شهر انقلاب اسلامی گویی میخانه است، مناسبات بین انسان ها، محل عبادت است. معماری حقیقی در تاریخ انقلاب اسلامی از کجا شروع می‌شود؟ (غم دلدار فکندست به جانم شرری / که به جان آمدم و شهره بازار شدم / در میخانه گشایید به رویم شب و روز / که من از مسجد و از مدرسه بیزار شدم) گشودگی ها افراط و تفریط تعادل در گشودگی. اگر پوشیدگی وجود نداشته باشد در پیدایی معنای گشودگی از دست می‌رود رویکرد عملکرد گرایی و رویکرد معنا گرایی و شاعرانگی در تاریخ انقلاب اسلامی به یگانگی می‌رسد. زیرا اعمال حقیقی خود معنا بخش شعر زندگی هستند. خانه ها معرف نوع ارتباط بین انسان ها است. پوشش نیز ارتباط بین انسان ها را نشان می‌دهد. و حجاب نیز گردآورنده امر چهارگانه است. هر معماری، سلسله نسبت هایی را در انضباطی حقیقی برای انسان فراهم می‌کند. نسبت های ضبط شده در عالم معماری انسان در میان چه نسبت هایی است؟ پذیرش اعمال و یا شخصیت ها کافی شاپ های مدرن و یا چایخانه های سنتی؟ میکده ی شهری خمینی چه نشانه ها و شاخصه هایی دارد؟ هر معماری یک سوره است و یک عالمی دارد و به حقیقتی اشاره می‌کند. (نوع دیوار بافت جنس مصالح ارتفاع ضخامت سنگ آجر صافی برجستگی) هویت انسانی که از کنار دیوار می‌گذرد؟ چقدر او از نقش بستن دیوار در نفسش، حقیقت خودش را احساس می‌کند و انسانیتش و شعورش و شخصیت بلند و روح نورانی اش چقدر آشکار می‌شود؟ آیا آن نحوه ساختنِ دیوار، توفیق همجواری با انسانیت را دارد؟ اگر انسان انسانیتش را ظهور داد خودش را تازه پیدا می‌کند. و اینگونه انسانیت مبنی انتخاب هر چیزی می‌شود. درهای رنگی قدیم روح زندگی بود تجمل نبود. همچنین حضرت رضا می فرمایند دیوار خانه ها را سفید کنید. گشودگی و باز بودن به شخصیت محیط گشودگی ها؛ پیوند

بین فضاها و ارتباطات بازشو ها، باب ها (باب الرحمه) (باب الله) احساس و شخصیت یک درب و ورودی و ارتباط برقرار کردن و مراتب «ورود به یک حقیقت» ما به استقبال چیزی می رویم که وجوه متفاوت دارد و این وجوه متفاوت رجوعی دارند به اِمکان ما عبارت جدا کننده؛ و حفظ حریم؛ کاملا از دو روح متفاوت صحبت می کنند برای طراحی جدا کننده ایده ها و مصالح و شکل و رنگ متفاوت است از ایده پردازی برای حفظ حریم در نهج البلاغه آمده است؛ از خدا بترسید و تقوا پیشه کنید که شما در پیشگاه خداوند مسئول بندگان، شهرها و آبادی ها هستید. زیرا از همه چیز حتی از خانه ها و حیوانات بازپرسی خواهد شد. خدا را اطاعت کنید و او را عصیان نکنید. هر نیکی دیدید آن را انتخاب کنید و از هر شری اعراض کنید. سه دری و پنج دری / ابواب بهشت و عدد فرد کیفیت بازشو ها و گشودگی ها؛ یک گشودگی بزرگ و یا چند گشودگی کوچک همگی معنای متعلق به خود را دارند. اینکه در عین گشودگی حریم فضا را گرامی می‌داریم و با نگه داشتن حریم فضا را تعریف می‌کنیم ما مسئولیم در اینکه بابِ چشم گوش قلب ببندیم و باز کنیم. باب، وجودی است. اذن می‌خواهد. گشودگی باید ورود نرم را فراهم کند، طیف دار، باشد شرایط تغییر معنا را فراهم کند، مراتب ایجاد کند. القا داشته باشد. (حتی با دیوار کوتاه پایین آستانه نیز معنا عوض می‌شود) یعنی «وقتی» برای ورود!
«وقتی» برای عبور و تعبیر و حضور ... حضور در سکونت انسان انقلاب اسلامی. حضور در سکونت دیگری و حضور در سکونت خویشتن سکونت ارتقا یافته؛ مکان مصلی و ملکوت صله رحم و سکونت؛ فرم ها و شاکله ها زبانی هستند که نسبت بین انسان و خدا و زمین و آسمان را بیان می‌کنند نشانه های خانه عنکبوت در سکونت های دنیای مدرن کدام است؟ و سکونت در سستی چیست؟ معماری های آشفته حال مابین معابر سردرگم در زمانه ما نشان از چیست؟ مکان و کالبد شهری باید نسبت انسان و خدا و زمین و آسمان را به زیبایی گرد آورد. این زیبایی کدام است؟ بعضی از گشودگی ها انسان را فرامی‌خواند، یا از نظر بصری توجه جلب می‌کند، یا ترس و واهمه ایجاد می‌کند یا تفاجر و شکوه خیالی ایجاد می‌کند. گشودگی ها در انقلاب اسلامی ساده بی ادعا متواضع حکیمانه و پر ظرافت و ملایم است. (ارتفاع، عمق، شکل، مصالح، نقش، رنگ، مقیاس) معماری زبان است. زبان ساختاری دارد، در و دیوار دارد، به پنجره ی قلب شنونده باز می شود. انسان عین ربط است و فضاهای ارتباطی و گشودگی ها و درها و پنجره ها در ایجاد ارتباط بین انسان ها و اصلاح ذات بین موثر هستند.
زیبایی وجودی ایی میزان است، که تربیت در آن باشد. زیبایی هایی که راه تفکر را بگشاید و عالم را به تو نشان دهد. با تدبیر استعداد های محیط به صحنه بیاید و در فرآیند دانش بنیان حقیقی ایجاد شود. آیا معماری که تربیت در آن باشد، می تواند از نظر زیبایی میزان باشد. زیبایی هایی که در به سوی او بودن ایجاد شود. و به سوی او بودنِ اکنون، در تاریخِ انقلاب اسلامی معنا می شود. زیبایی های جهت مند. زیبایی های به سوی او. (با نفی شیطان و نفی خود) تربیت در معماری و امر گردآورنده کدام است؟ چگونه معماری می تواند عالم ربوبی را نشان دهد؟ و اساس تربیت را اشاره کند؟ آیا جز این است که فضایی برای عبودیت بنا کند؟ شهر مکانی است برای دیدار با عالم انقلاب

اسلامی. برای دیدار دگرگونی آسمانی به سمت تعالی. مومنین برای انکشاف عالم ایمان انسان های دیگر گرد هم جمع می‌شوند. شهر در کدام تقدیر تاریخی قرار گرفته است هلاکت یا سعادت؟ قدر و اندازه ی شهر چقدر است؟ مکان های تاریخی چگونه موعظه می کنند؟ همان معماری ها که ساکنان را هلاک کرده امروز به زیبایی ستوده میشوند. (گردشگری و کا خ پادشاهان و جذب سرمایه) خداوند می فرماید : "من گنج مخفی هستم دوست داشتم شناخته شوم". و معماری نقشه ی گنج است نه خود گنج . معماری کردن عملی است که بر مبنای توحید باید باشد. و زندگی طواف حق است. آیا تصویر شهدا بر تابلو ها و اسم آنها بر معابر می تواند در تاریخ انقلاب اسلامی دگرگون کننده معماری ها باشد؟ یگانگی بین شهدا و مکان چگونه تحقق میابد؟ شخصیت شهدا چگونه در کالبد شهر و معماری اثر میگذارد و فرم ها را دگرگون میکند؟ و بر دیدار ها و آشنایی ها وضوح می بخشد؟ شهر مکانی است که در آن دیدار با انقلاب اسلامی صورت میگیرد. دیدار با تاریخ؛ دیدار با صفویه و سیروا فی الارض اگر شهر سواد اعظم است. ثواب و گناه را میشناسد. بیداری و غفلت را می شناسد. شهر اسلامی بدون جمع مومنین، شهر اسلامی نیست. اگر خرمشهر شهری است در آسمان که خدا آن را فتح کرده است، شهر صحنه ایثار ها و فداکاری هاست. صحنه ی تقوی و گشایش هاست. تعبیر شاعرانه از معماری، گاهی به بیراهه میرود. آنجا که ظرف و مظروف جا به جا میشوند. معماری در انعکاس زندگیِ شاعرانه، ایجاد میشود. تا صدای شعر زندگی و حضور دوست از لابه لای در و دیوار آن شنیده شود. در معماری مدرن تعابیر شاعرانه از فرم، عرصه معماری را به خیال می کشاند و از حقیقت دور میکند. شهر صحنه دیدار با امکان ها و فرصت های تاریخ انقلاب اسلامی است. صحنه انتخاب های تاریخی است. صحنه صبر است. چه نکاتی در تعین معماری و شهر موجب سستی غفلت و یا عجله و شتاب در جمع مومنین می شود. جمع مومنین و شهر اسلامی را بازخوانی کنیم؟ چه ایمانی مد نظر است و چگونه شهری را میخواهد؟ معماری شعری در وصف انسانِ انقلاب اسلامی میگوید. کدام وجه در اخفا و کدام وجه در افشاست؟ عالم غیب و عالم شهادت برای انسان انقلاب اسلامی چه انعکاسی در فرم و تقوی شاعرانه دارد؟ دستاورد های وجودی و معانی در چه تعینی از معماری، اشاره پذیر میشوند؟ تزکیه در معماری های انقلاب اسلامی اهمیت دارد. تزکیه و پاکی گمشده ی انتخاب های معمارانه است. و انسان انقلاب اسلامی در کثرت و تنوع انتخاب های مدرن خود را به فراموشی می سپارد. گشودگی در و یا پنجره در دیوار؛ و یا بافت و نقش و نگار بر روی دیوار چه میگوید؟ میزان هم ندایی و آشنایی با انسان انقلاب اسلامی که از جوار آن عبور میکند چیست؟ او را می شناسد؟ یا بیگانه است؟ دیوار بی تفاوت، دیوار خشن، دیوار خودبرتربین، دیوار دلسوز، دیوار با بصیرت و با معرفت، هوشیار و امانت دار ... گشوده بودن صفا داشتن امادگی برای فداکاری و ایثار، همگی صفاتی هستند که دیوار انقلاب اسلامی در خود دارد. از نظر معرفت نفس، انسان هر چه در بیرون با آن مواجه میشود را از عالم بالا میگیرد و در وجود نفس خودش ایجاد میکند و به آن علم پیدا میکند. چگونه معماری میتواند کمک کند انسان حقیقت انقلاب اسلامی را درخود بیابد؟ انسانی وسیعتر و متمرکزتر و آسمانی تر ویژگی های

گشودگی در فرم و تناسبات و یا به عبارتی شخصیت گشودگی، و یا شخصیت پردازی برای گشودگی می تواند انسان را به واقعیت یا به وهم راهنمایی کند. اینکه به انسان امکان و وجود و حضور بدهد. وقتی تعین گشودگی در هست خویش مستقر باشد. انسان را به اکنون بیکرانه جاودان سوق میدهد. این گشودگی در شخصیت معمار و سازنده باید تحقق یافته باشد تا در اثر معماری منعکس شود. گشودگی اگر عدالت داشته باشد حق هر چیزی را ادا میکند. حق نور، هوا، دیدار، شنیدار، علم و آگاهی، حفاظت و امنیت، پیدایی و پوشیدگی، و همچنین توسط این گشودگی فضا در سلامت و تعادل قرار میگیرد. ولی در دنیای مدرن، اینکه برای نمای بهتر، گشودگی ها در شخصیت پردازی جداگانه از ساختمان طراحی میشوند که ساختمان را جلوه دارتر کنند. دوگانگی و بیگانگی انسان مدرن را نشان میدهد. زیرا در دنیای مدرن گشودگی ها گمراه کننده و غفلت زا هستند. گشودگی ورودی هتل لوتوس پارسیان خیابان امام رضا (ع) در مشهد؛ معماری عجیبی دارد ، استوانه ی بلند بیضویِ شیشه ایی که انسان را سردرگم میکند و به هم میریزد. زائر (انسانی که انسانیت را ملاقات کرده) وقتی از حرم بیرون می آید و از کنار این گشودگی عبور می کند از عدم فهم و درک چنین معماری از حضور و عالم وجود، به تفکر واداشته میشود. که معماری به کدامین سمت میرود و چگونه راه متعالی شدن و ارتقا یافتن را در انحطاط وجودی جستجو میکند. انسان با قرار گیری در معماری، در یک اشاره قرار میگیرد و پرتوهای عالم آن معماری وجود او را سمت و سو میدهند. اثر وجودی معماری بر انسان قابل درک است ولی اینکه اشاره بودن عالم معماری در حجاب می رود و معماری منهای اثر وجودی اش ارزیابی می شود جای سوال است. اینکه پرتو های عالم معماری چقدر انسان و ایمانش را با او در میان میگذارند، چقدر برای ایمان انسان مانع ایجاد میکند و آن را به تاخیر می اندازد و چقدر زمینه ظهور ایمان را فراهم میکند، اهمیت دارد. ایمان و تناسبات ایمان در تاریخ انقلاب اسلامی کدام است؟ جایگاه ایمان های مرتبط در سکونت ها و معماری های ما کدام است؟ (اتاق های مرتبط و مسیرهای حرکتی متنوع) اگر معماری با صداقت باشد می توانیم بگوییم؛ پرتوهای عالم معماری، صدقه جاری است. تصدیق حقیقت است. و جان و جانانِ انسان بعد از این را نیز تصدیق میکند. خیلی ممنون از راهنمایی شما

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان‌طور که عرض شد موضوع معماری در این زمانه امری است در جهان بین دو جهان و همهٔ آنچه فرموده‌اید را باید شخص معمار مبتنی بر تصوری که منجر به بنایی می‌شود؛ به میان آورد. همان‌طور که مثلاً ما در فضای مساجد سنتی و یا خانه‌های سنتی هرچند هم که ساده باشد به جهت نوع فضا و بنا، احساس می‌کنیم در همان جایی هستیم که باید باشیم، گویا در مغز جهان حاضر شده‌ایم و این‌جا است که می‌بینیم حتی مساجد، محل و مأوای حضور طولانی اهل سلوک می‌شده. مثلاً ۴۰ روز تقریباً همهٔ وقت خود را با حضور در مسجد تجربه می‌کرده است. موفق باشید